

دکتر علی خالقی *

انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران

چکیده:

امروزه انتقال محکومان خارجی از کشوری که در آن به مجازات سالب آزادی محکوم شده‌اند به کشوری که تابعیت آن را دارند به عنوان یکی از ابزارهای معاضدت بین‌المللی در امور جزایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شیوه، که توان عدالت کیفری در اصلاح و بازگشت بزهکار به جامعه را افزایش داده و از آثار نامطلوب زندان بر او و خانواده‌اش می‌کاهد، به تازگی در روابط میان ایران و برخی از کشورها نیز مورد قبول قرار گرفته است. اما، انتقال محکومان سبب تحولی شگرف در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در کشورمان نیز شده است که در نتیجه آن ایران به گونه‌ای بی‌سابقه اعتبار سلبی و ایجابی احکام دادگاه‌های کشورهای را که محکوم علیه از آنجا به کشورمان انتقال می‌یابد، می‌پذیرد.

واژگان کلیدی:

انتقال محکومان، احکام کیفری خارجی، اجرای احکام خارجی، اعتبار مثبت احکام خارجی، اعتبار منفی احکام خارجی، حقوق جزایی بین‌الملل

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:

«حمایت کیفری از اتباع: جنبه فراموش شده اصل صلاحیت شخصی در حقوق ایران»، شماره ۶۰، سال ۸۲

مقدمه

به دلیل سهولت انجام سفرهای خارجی در عصر حاضر، همه ساله تعداد زیادی از ایرانیان به خارج از کشور سفر می‌کنند. این دسته از افراد، اعم از اینکه برای مدتی طولانی در یک کشور خارجی اقامت گزینند یا مدت کوتاهی در آنجا به سر برند، ملزم به رعایت قوانین و مقررات کشور مزبور بوده و در صورت ارتکاب جرم در آن محل مشمول قوانین جزایی آن کشور قرار خواهند گرفت. این امر، ناشی از اصل صلاحیت سرزمینی قوانین جزایی است که نگاه خود را به محل وقوع جرم معطوف نموده و به طور یکسان در مورد کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت دولت مدعی صلاحیت مرتکب جرم شوند، به اجرا درمی‌آید.

با این حال، اگرچه به طور سنتی در اعمال اصل صلاحیت سرزمینی به تابعیت مرتکب توجه نمی‌شود، اما در اجرای مجازات ناشی از آن نمی‌توان تابعیت مرتکب را یکسره به فراموشی سپرد. یک ایرانی که به دلیل ارتکاب جرمی در خارج از کشور و در اجرای قانون سرزمینی به مجازات زندان محکوم می‌شود باید مدت محکومیت خود را در یکی از زندان‌های کشور خارجی سپری نماید. در این مدت، او در یک کشور خارجی و در میان کسانی زندانی است که نه هموطن او هستند و نه هم زبان او و حتی ممکن است که وی با زبان آنها اصلاً آشنا نباشد. خانواده و بستگان چنین شخصی نیز اصولاً در کشور خود ساکن هستند، بنابراین نه امکان ملاقات با وی در زندان را دارند و نه اعطای مرخصی به او به دلیل خطرات آن مورد موافقت قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، انتقال محکوم‌علیه به ایران برای تحمل بقیه مدت مجازات خود راه حلی است که می‌تواند از بروز آثار نامطلوب مشکلات فوق بر زندانی و خانواده‌اش جلوگیری نماید. اما این اقدام انسانی، عدالت کیفری را با مانع بزرگی به نام قاعده عدم اجرای احکام کیفری خارجی روبه‌رو می‌سازد، قاعده‌ای که اصولاً اجرای حکم قاضی بیگانه در امور کیفری را منع می‌کند.

با وجود این، در سال‌های اخیر، موافقت‌نامه‌هایی میان ایران و برخی از کشورها به امضاء رسیده است که در آنها انتقال محکومان ایرانی دادگاه‌های طرف موافقت‌نامه به ایران و متقابلاً انتقال اتباع طرف مزبور که در دادگاه‌های ایران محکومیت یافته‌اند به کشور خودشان پیش‌بینی شده است. انعقاد و اجرای این گونه موافقت‌نامه‌ها، قاعده سنتی عدم اعتبار احکام کیفری

خارجی را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد که شایسته بررسی است. بدین منظور، ابتدا با انتقال محکومان به عنوان یکی از ابزارهای معاضدت جزایی بین‌المللی آشنا می‌شویم (بخش اول) و سپس به بررسی تأثیر انتقال محکومان بر شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران (بخش دوم) می‌پردازیم.

بخش اول: انتقال محکومان، ابزاری برای معاضدت جزایی بین‌المللی

وسعت و نحوه ارتکاب برخی اعمال مجرمانه، که به دلیل ماهیت خود یا شخصیت مرتکب آن با بیش از یک دولت ارتباط پیدا می‌کند به گونه‌ای است که امروزه همکاری دولت‌ها با یکدیگر در مبارزه با بزهکاری بین‌المللی را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است. از این رو، دولت‌های مختلف با انعقاد موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه، به پیش‌بینی ابزارهای لازم برای معاضدت بین‌المللی در امور جزایی می‌پردازند که یکی از قدیمی‌ترین آنها موافقت‌نامه استرداد مجرمان است.

یکی از ابزارهای نسبتاً نوین معاضدت جزایی بین‌المللی، انتقال محکومان^۱ از کشور صادرکننده حکم به کشور طرف قرارداد است. در این شکل از معاضدت، که برخلاف اطلاق عنوان آن منحصر به انتقال افراد محکوم به کیفرهای سالب آزادی است، شخصی که به دلیل ارتکاب جرمی، در دادگاه‌های یک کشور محاکمه و محکوم شده است از این کشور به کشور دیگری که محکوم علیه تابعیت آن را دارد منتقل می‌گردد تا محکومیت خود را در آنجا سپری نماید. هدف از این همکاری، فراهم نمودن امکان باز اجتماعی شدن محکوم علیه و کمک به اصلاح اوست. کسی که در یک کشور خارجی زندانی می‌شود، باید دوره محکومیت خود را در کنار زندانیانی سپری نماید که از نظر تابعیت، زبان، فرهنگ، آداب و عادات اجتماعی وجه اشتراکی با او ندارند. این اختلاف، مانع بزرگی در برقراری ارتباط زندانی با محیط پیرامون اوست

۱- به منظور پرهیز از اختلاط این موضوع با موضوع استرداد محکومان یادآور می‌شویم که در شکل اخیر، شخصی که در کشوری محکومیت یافته اما بنا به دلایلی در آنجا حضور ندارد، از کشوری که محکوم علیه در اختیار اوست به کشوری که حکم محکومیت وی را صادر نموده است مسترد می‌گردد.

و با تشدید رنج مجازات، آن را ناعادلانه ساخته و سازگارسازی اجتماعی وی را به مخاطره می‌افکند.

به علاوه، دوری زندان از محل سکونت خانواده و بستگان زندانی که معمولاً در کشور خود اقامت دارند و اخذ رویداد و طی مسافتی طولانی برای آنها غیرممکن یا دشوار است، امکان ملاقات زندانی با نزدیکانش را نیز از او سلب می‌کند. بدیهی است که در چنین شرایطی، اجرای مجازات تأثیرات نامطلوبی بر روحیه زندانی و افراد خانواده او بر جای می‌گذارد. با توجه به دلایل یاد شده، مدنی است که انتقال محکومان به عنوان یکی از اشکال معاضدت جزایی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است و دولت‌ها با انعقاد موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه به همکاری با یکدیگر در این زمینه پرداخته‌اند. قطع نظر از موافقت‌نامه‌های متعدد دو جانبه، دو سند بین‌المللی عمده در این زمینه وجود دارد. یکی از آنها عبارت است از کنوانسیون شورای اروپا درباره انتقال محکومان^۱ که در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۳ در استراسبورگ به امضاء رسیده و از تاریخ اول ژوئیه ۱۹۸۵ لازم‌الاجرا شده است. (Coopération internationale en matière pénale, p. 221) سند دیگر موافقت‌نامه نمونه سازمان ملل درباره انتقال زندانیان خارجی است که طی قطعنامه‌ای در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ به تصویب مجمع عمومی این سازمان رسیده و به‌عنوان الگویی برای تنظیم موافقت‌نامه‌های موردنظر اعضا به آنها معرفی شده است. (Van den Wyngaert, p. 1055) به منظور آشنایی بیشتر با این نوع معاضدت، ابتدا شرایط

۱- قبل از این کنوانسیون، کنوانسیون دیگری نیز در تاریخ ۲۸ مه ۱۹۷۰ در مورد ارزش بین‌المللی احکام کیفری به تصویب اعضای شورای اروپا رسیده بود که در ماده ۵ آن انتقال محکومان به نحو محدودی پیش‌بینی شده بود. اما به دلیل محدودیت‌های این نوع انتقال، از جمله اینکه مربوط به انتقال به کشور محل اقامت محکوم‌علیه بود، لزوم تدوین کنوانسیونی جامع در این خصوص احساس می‌شد که نتیجه آن تنظیم کنوانسیون راجع به انتقال محکومان در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۳ بود. برخی از کشورهای عضو شورای اروپا، در قالب عضویت در اتحادیه اروپا یا پیمان سنگن که اعضای کمتری دارند، موافقت‌نامه‌هایی را میان خود در مورد انتقال محکومان به امضاء رسانده‌اند که مورد بحث ما نیست. همچنین لازم به ذکر است که کنوانسیون ۱۹۸۳ شورای اروپا درباره انتقال محکومان دارای یک پروتکل الحاقی است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۷ به امضاء رسیده است.

(فصل اول) و سپس آثار انتقال محکومان (فصل دوم) در دو سند فوق را که تقریباً مقرراتی مشابه یکدیگر دارند، بررسی می‌کنیم.

فصل اول: شرایط انتقال محکومان

از مطالعه دو سند یاد شده می‌توان دریافت که برای انتقال محکوم علیه از کشوری که حکم محکومیت در آن صادر شده (کشور صادر کننده حکم) به کشور دیگری که اجرای حکم را بر عهده می‌گیرد (کشور اجراکننده حکم) شرایطی لازم است که برخی از آنها را می‌توان ماهوی (مبحث اول) و برخی دیگر را می‌توان شکلی (مبحث دوم) نامید.

مبحث اول: شرایط ماهوی انتقال

از نظر ماهوی وجود چند شرط برای انتقال لازم است که می‌توان آنها را به شرح زیر برشمرد:

الف - جرم بودن عمل مرتکب در کشور اجراکننده

کشوری که حکم محکومیت را اجرا می‌کند باید عمل منجر به محکومیت را در قوانین خود جرم شناخته باشد زیرا از کشوری که عملی را مباح می‌داند نمی‌توان انتظار همکاری در به کیفر رساندن مرتکب آن را داشت. بنابراین، شرط مجرمیت مضاعف یا متقابل^۱ باید رعایت گردد اما برای تحقق این شرط کافی است که عمل مرتکب در هر دو کشور جرم و قابل مجازات باشد و لازم نیست که عنوان مجرمانه واحدی هم برای عمل مزبور در قوانین دو کشور وجود داشته باشد. پس اگر عمل مرتکب در یکی از دو کشور خیانت در امانت و در کشور دیگر تصرف غیرقانونی در اموال عمومی تلقی شود، شرط مورد بحث تحقق یافته است.

ب - قطعی بودن حکم محکومیت در کشور صادر کننده

هدف از انتقال محکوم علیه به کشور اجراکننده، اجرای مجازات مقرر در حکم است و بدین

1- Réciprocité de l'incrimination (F), Double criminality (E).

لحاظ ضروری است که حکم مذکور شرایط لازم برای اجرا را داشته باشد. بنابراین، حکم صادر شده باید یک حکم قطعی لازم‌الاجرا باشد یعنی حکمی که طرق عادی اعتراض و شکایت از آن پیموده شده و راهی برای نقض حکم از این طرق باقی نمانده باشد. قطعیت یا عدم قطعیت حکم نیز بر طبق قوانین حاکم در محل صدور حکم سنجیده می‌شود نه براساس قوانین محل اجرای حکم.

ج - باقی ماندن حداقل شش ماه از مدت مجازات

نیاز به توضیح نیست که چون در انتقال محکومان، اجرای حکم محکومیت یک نفر به زندان مورد نظر طرفین است، مجازات مقرر در حکم دادگاه باید از کیفرهای سالب آزادی باشد. اما مجازات‌های کوتاه مدت با هدف و فلسفه انتقال محکومان سازگاری ندارند زیرا در این مجازات‌ها مدت اقامت محکوم علیه در زندان به اندازه‌ای نیست که دوری او از خانواده و بستگان و بیگانگی او در محیط زندان آثار نامطلوبی بر شرایط روحی و روانی او بر جای گذارد. بنابراین، به منظور پرهیز از تحمیل هزینه‌های زائد بر دادگستری^۱، انتقال محکومان منحصر به مواردی شده است که در زمان تقاضای انتقال حداقل شش ماه از مدت مجازات قابل اجرا باقی مانده باشد. اگرچه ظاهر عبارات دو سند مورد بحث ناظر به انتقال محکومی است که در یکی از زندان‌های کشور صادرکننده حکم به سر می‌برد ولی هیچ یک از این دو متن فرض خلاف آن را هم منع نکرده‌اند. در نتیجه، مانعی برای تقاضای انتقال و موافقت با آن در صورت آزاد بودن محکوم علیه به نظر نمی‌رسد.

د - محکوم علیه از اتباع کشور اجراکننده باشد

با توجه به دلایلی که در توجیه انتقال محکومان ارائه شد، مناسب‌ترین کشوری که می‌تواند محل اجرای مجازات باشد، کشوری است که محکوم علیه تابعیت آن را دارد. بنابراین، اصولاً

۱- این هزینه‌ها به ویژه هنگامی که دو کشور صادرکننده و اجراکننده حکم مرز مشترک ندارند و انتقال مستلزم عبور از خاک کشور یا کشورهای دیگری باشد، سنگین و قابل توجه است.

انتقال تنها در روابط بین کشور صادرکننده حکم و کشور متبوع محکوم علیه می‌تواند صورت بگیرد. با این حال، در موافقت‌نامه نمونه سازمان ملل متحد، علاوه بر کشور متبوع محکوم علیه، کشور محل اقامت وی نیز به عنوان کشوری که ممکن است محکوم علیه به آنجا انتقال یابد، شناخته شده است.

ه- موافقت محکوم علیه با انتقال خود

از آنجا که انتقال در جهت منافع محکوم علیه و با هدف تسهیل ورود مجدد او به جامعه صورت می‌گیرد، نظر وی در مورد انتقال حائز اهمیت است و باید موافقت خود را با این اقدام اعلام نموده باشد. حتی چنانچه محکوم علیه به دلیل سن یا وضعیت جسمانی یا روانی خود قادر به اعلام رضایت خویش نباشد، جلب موافقت نماینده قانونی او برای انتقال ضروری است. در هر حال، رضایت محکوم علیه عنصری اساسی است و حتی از دولت‌های ذیربط در انتقال خواسته شده که سلامت اراده او برای اعلام رضایت را بررسی و آثار و عواقب موافقت خود با انتقال، از جمله امکان تعقیب کیفری در کشور اجراکننده به دلیل ارتکاب سایر جرایم، را به او اعلام نمایند.

با اجتماع شرایط فوق، محکوم علیه می‌تواند جهت تحمل بقیه مجازات از کشور صادرکننده حکم به کشور اجراکننده حکم منتقل گردد. ولی برای این کار رعایت تشریفات و شرایط شکلی انتقال نیز ضروری است.

مبحث دوم: شرایط شکلی انتقال

اصولاً انتقال محکومان مستلزم توافق دو دولت طرف قرارداد در هر مورد خاص است و وجود موافقت‌نامه انتقال، آنها را ملزم به قبول انتقال در همه شرایط نمی‌سازد. بنابراین، ممکن است دولت صادرکننده حکم به دلیل بیم احتمال برخورداری محکوم علیه از مساعدت‌های غیرقابل توجیه در کشور خود از انتقال وی خودداری نماید و یا دولت اجراکننده حکم به دلیل ملاحظات مربوط به نحوه اداره زندان و طبقه‌بندی محکومان تمایلی به این انتقال نداشته باشد. درخواست کتبی انتقال ممکن است توسط هریک از طرفین به طرف دیگر ارائه گردد و

محدودیتی از نظر لزوم تقاضای یکی از آنها بر دیگری وجود ندارد. به ضمیمه این درخواست باید مدارک لازم جهت اثبات شرایط ماهوی انتقال محکوم علیه که پیشتر به آنها اشاره شد نیز ارسال گردد.

در کنوانسیون شورای اروپا، وزارتخانه‌های دادگستری دو کشور مرجع صلاحیتدار برای اقدام در این زمینه شناخته شده‌اند و به منظور تسریع در رسیدگی به تقاضای مذکور، لزومی به دخالت وزارتخانه‌های امور خارجه این کشورها احساس نشده است. محکوم علیه نمی‌تواند تقاضای رسمی انتقال را به یکی از طرفین تسلیم نماید بلکه تنها می‌تواند با جلب توجه مقامات هریک از دو کشور صادر کننده یا اجراکننده حکم به وضعیت شخصی خود، تمایل خویش به انتقال را به اطلاع آنها برساند. (Pradel et Corstens, p. 96)

انتقال یک زندانی از کشوری به کشور دیگر، به ویژه اگر وی عضو باندهای تبهکارانه سازمان یافته باشد یا اینکه این کشورها مرز مشترک با یکدیگر نداشته باشند همواره اقدامی پرمخاطره است و مراقبتی دو چندان را می‌طلبد. همین امر سبب تخصیص نیرو و امکانات بیشتر برای بالا بردن ضریب امنیت انتقال و در نتیجه موجب افزایش هزینه‌های انتقال نسبت به اعزام ساده یک متهم از بازداشتگاه به دادگاه در داخل یک کشور می‌گردد. پرداخت این هزینه‌ها اصولاً برعهده کشور اجراکننده حکم است. با این حال، موافقت‌نامه نمونه سازمان ملل امکان توافق طرفین برخلاف این اصل را پیش‌بینی نموده است و کنوانسیون شورای اروپا صریحاً کشور صادرکننده حکم را مسئول پرداخت هزینه‌های صورت گرفته در خاک خود می‌داند.

فصل دوم: آثار انتقال محکومان

با اجتماع شرایط ماهوی و انجام تشریفات شکلی، انتقال محکوم علیه به محل جدید او صورت می‌گیرد. این انتقال هم در کشور صادرکننده حکم (مبحث اول) و هم در کشور اجراکننده حکم (مبحث دوم) آثاری را به دنبال دارد.

مبحث اول: آثار انتقال در کشور صادرکننده حکم

انتقال محکوم علیه از کشور صادرکننده حکم، دو اثر در این کشور در پی دارد: نخست آنکه از

زمان تحویل گرفتن وی توسط دولت اجراکننده حکم، اجرای حکم در کشور صادرکننده آن به حالت تعلیق در می‌آید. این تعلیق موقتی است و زمانی قطعی می‌شود که اجرای حکم در کشور اجراکننده به پایان برسد. بنابراین، اثر دوم، منع اجرای مجازات توسط کشور صادرکننده حکم به محض اعلام کشور اجراکننده مبنی بر خاتمه اجرای مجازات است.

چنانچه محکوم علیه قبل از پایان دوره محکومیت خود در کشور اجراء کننده از زندان بگریزد، به نظر می‌رسد که در صورت بازگشت او به محل صدور حکم منعی برای اجرای باقیمانده مدت مجازات توسط کشور صادرکننده حکم وجود نداشته باشد. (Pradel et

Corstens, p. 101)

مبحث دوم: آثار انتقال در کشور اجراکننده حکم

با انتقال محکوم علیه به کشور اجراکننده، این کشور اجرای حکم را بر عهده می‌گیرد. برای این کار، کشور اجراکننده حکم می‌تواند به دو طریق عمل نماید. راه اول این است که رأساً یا پس از تنفیذ حکم توسط یکی از دادگاه‌های ملی، اجرای همان مجازات مورد حکم در کشور صادرکننده را ادامه دهد. با این حال، چنانچه مجازات مقرر توسط دادگاه کشور صادرکننده حکم از نظر درجه یا مدت با مجازات پیش بینی شده در قوانین کشور اجراکننده حاکم سازگار نباشد، این کشور می‌تواند با حکم دادگاه خود، مجازات مزبور را با مجازات وضع شده در قوانین خود برای همان عمل منطبق نماید. راه دوم این است که کشور اجراکننده حکم ابتدا به وسیله دادگاه ملی خویش، مجازات مقرر در حکم را به مجازات دیگری که قوانین خود برای همان جرم پیش‌بینی نموده، تبدیل و سپس اجرا نماید، بدون اینکه مجاز به تبدیل کیفر سالب آزادی مقرر به جزای نقدی باشد.

هریک از دو روش فوق که اتخاذ شود، در هر حال مدت مجازات سپری شده در کشور صادرکننده حکم از مدت مقرر در حکم کاسته خواهد شد. اجرای مجازات نیز تابع قوانین کشور اجراکننده حکم است و تدابیری مانند آزادی مشروط مطابق با قوانین این کشور اتخاذ می‌گردد. در مقابل، اعاده دادرسی و نقض حکم منحصراً در اختیار کشور صادرکننده حکم قرار دارد. عفو عمومی و عفو خصوصی اقداماتی هستند که مقامات هر یک از دو کشور می‌توانند در مورد

محکوم علیه اتخاذ نمایند.

نکات فوق، آثاری است که انتقال محکوم علیه بر حکم محکومیت وی بر جای می‌گذارد. اما این انتقال، آثار عمیقی نیز بر قواعد سنتی حقوق جزا در مورد اعتبار احکام کیفری خارجی بر جای می‌گذارد که چنانچه ایران در اجرای موافقت‌نامه‌های مربوط به انتقال محکومان با دیگر کشورها، اقدام به آن نماید، لازم است که این آثار در کشورمان مورد بررسی قرار گیرد.

بخش دوم: تأثیر انتقال محکومان در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی

در سال‌های اخیر، دولت ایران با درک ضرورت توسعه همکاری‌های قضایی با دیگر کشورها اقدام به انعقاد موافقت‌نامه دو جانبه با برخی از آنها نموده است. این کشورها عمدتاً کشورهای هستند که یا به دلیل نزدیکی جغرافیایی با ایران و یا به دلیل برخورداری از جاذبه‌های گردشگری یا زیارتی، همه ساله پذیرای شمار قابل توجهی از هموطنانمان هستند و از این رو همکاری در حل مشکلات قضایی این افراد و کسانی که از این کشورها به ایران سفر می‌کنند مورد توجه و علاقه خاص طرفین قرار گرفته است.

برخی از این اسناد ناظر بر معاضدت قضایی در امور جزایی هستند که از این دسته، معدودی نیز مربوط به انتقال محکومان دادگاه‌های یک کشور به کشور دیگر می‌باشند. در زمینه اخیر، دو موافقت‌نامه با دولت‌های جمهوری آذربایجان^۱ و جمهوری سوریه^۲ امضاء شده است که به موجب آنها اتباع ایرانی محکوم شده در دادگاه‌های این کشورها به مجازات زندان و متقابلاً اتباع این کشورها که در ایران به چنین مجازاتی محکوم می‌شوند می‌توانند جهت اجرای مجازات به

۱- قانون موافقت‌نامه انتقال محکومین به حبس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری

آذربایجان مصوب ۷۸/۱/۲۵ (روزنامه رسمی مورخ ۷۸/۲/۲۶)

۲- قانون موافقت‌نامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد

مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه

مصوب ۸۰/۸/۳۰ (روزنامه رسمی مورخ ۸۱/۴/۲۶).

دولت متبوع خود انتقال یابند. انعقاد و اجرای این گونه موافقت‌نامه‌های بی‌سابقه با دیگر کشورها که پس از تصویب قوه قانون‌گذاری ایران و به حکم ماده ۹ قانون مدنی^۱، در حکم قانون بوده، رعایت آنها در دادگاه‌های کشورمان الزامی است، نظریه کلی مربوط به اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران را دستخوش دگرگونی می‌سازد. از این رو، شایسته است که در فرضی که دولت ایران دولت اجراکننده حکم صادر شده در دادگاه‌های یکی از کشورهای فوق باشد، تأییراتی را که انتقال محکوم علیه بر شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی بر جای می‌گذارد هم از نظر اعتبار مثبت^۲ یا ایجابی این احکام (فصل اول) و هم از لحاظ اعتبار منفی^۳ یا سلبی احکام مزبور (فصل دوم) مورد بررسی قرار دهیم.

فصل اول: از نظر اعتبار مثبت یا ایجابی احکام کیفری خارجی

اعتبار مثبت یا ایجابی احکام کیفری از یکسو مستلزم به اجرا درآوردن^۴ مفاد آنها است (مبحث اول) و از سوی دیگر متضمن شناسایی آثار احکام^۵ مذکور است (مبحث دوم).

مبحث اول: اجرای احکام کیفری خارجی

اصولاً احکام کیفری در قلمرو دولتی که دادگاه‌های آن چنین احکامی را صادر نموده‌اند، لازم‌الاجرا هستند و در خارج از آن قدرت اجرایی ندارند. به عبارت دیگر، اصل سرزمینی بودن^۶ در مورد احکام کیفری نیز شناخته شده است و در نتیجه آن، مراجع قضایی یک کشور، حکم کیفری صادر شده توسط دادگاه‌های بیگانه را اجرا نمی‌کنند. اصل عدم اجرای احکام کیفری

۱- مطابق این ماده: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

2- Autorité positive

3- Autorité négative

4- Exécution des jugements répressifs étrangers

5- Reconnaissance des effets des jugements répressifs étrangers

6- Territorialité des jugements répressifs

خارجی نه تنها در کشورهای دارای نظام حقوق نوشته (Koering-Joulin et Huet, n°124; Levasseur et Decocq, n°10 et s.; Bouzat, p. 96; Lombois, n° 396) بلکه در الگوی سنتی کشورهای پیرو نظام کامن لاهم پذیرفته شده است. (Mc Clean, p. 365) معمولاً مهم‌ترین دلیلی که در توجیه عدم اجرای احکام کیفری خارجی ارائه می‌شود لزوم حفظ حاکمیت ملی است. (Huet et Koering-Joulin, p. 328) اصولاً اجرای مجازات مستلزم توسل به قوه قهریه و به کاربردن اجبار در محدود کردن آزادی و اختیار محکوم علیه است و در جوامع متمدن عصر ما، با واگذاری حق این اقدام به دولت، اجرای کیفر نسبت به بزهکاران از جلوه‌های اعمال حق حاکمیت دولت‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، به کارگیری قوای دولتی و ابزارهای اجبارکننده برای اجرای تصمیمی که دادگاه‌های یک کشور خارجی اتخاذ نموده‌اند، موجب لطمه به حاکمیت ملی دولت اجراکننده این تصمیم تلقی شده است.^۱ در تأیید این استدلال، حتی برخی از حقوقدانان فرانسوی تأکید نموده‌اند که «فرانسه هیچ نفعی در تأمین اجرای احکام کیفری خارجی ندارد». (Puech, n° 472)

در عدم قابلیت اجرای احکام کیفری خارجی در ایران نیز جای تردید وجود ندارد و به رغم فقدان رویه قضایی مشخص در این زمینه می‌توان گفت اصولاً مقامات قضایی ایرانی مجاز به اجرای احکام کیفری دادگاه‌های بیگانه نیستند. علت این امر نیز این است که دادرسی و صدور حکم از مصادیق اعمال حاکمیت و در صلاحیت انحصاری دولت است و اجرای مفاد چنین حکمی، که در واقع کمک به یک دولت خارجی در انجام وظایف انحصاری خود محسوب

۱- با این حال، کشور سوئیس در زمره نادر کشورهایی قرار دارد که قطع نظر از وجود یا عدم وجود موافقت‌نامه‌ای خاص، به طور یکجانبه و صریح و تحت شرایطی، اجرای حکم کیفری دادگاه خارجی را در قوانین خود پیش‌بینی نموده است. (مواد ۳ و ۵ قانون جزا و ماده ۹۴ قانون راجع به معاضدت بین‌المللی در امور جزایی مصوب ۲۰ مارس ۱۹۸۱) همچنین، برخی از کشورها، در اجرای اساسنامه‌های دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ماده ۲۷)، دادگاه بین‌المللی رواندا (ماده ۲۶) و دیوان کیفری بین‌المللی (ماده ۱۰۳) آمادگی خود را برای اجرای احکام محکومیتی که این دادگاه‌ها صادر می‌کنند، اعلام نموده‌اند و بدین ترتیب، استثنائات جدیدی بر قاعده عدم اجرای احکام کیفری بیگانه در خاک خود وارد ساخته‌اند.

می‌شود، نیازمند مجوز قانون‌گذار است، امری که در کشور ما در هیچ متن قانونی اجازه آن در امور کیفری به قاضی ایرانی داده نشده است.^۱ حتی به نظر می‌رسد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل عدم اجرای احکام کیفری دادگاه‌های بیگانه در کشور ما، به دلیل سازگاری با برخی دیدگاه‌های فقهی، تقویت نیز شده باشد. به عنوان مثال، می‌توان به نظریه شماره ۸۰/۲۱/۱۵۲۳ مورخ ۸۰/۳/۱۷ شورای نگهبان اشاره نمود که در قسمتی از آن که موضوعاً داخل در صلاحیت فقهای آن شورا است چنین آمده است: «ماده ... از این جهت که اطلاقش شامل اجرای رأی صادره توسط قاضی غیر و واجد شرایط و غیر منسوب می‌گردد خلاف موازین شرع شناخته شد». (مرکز تحقیقات شورای نگهبان (گردآورنده)، ص ۲۰۰)^۲

با این حال، دو موافقت‌نامه یاد شده با کشورهای آذربایجان و سوریه حاکی از نگرش جدید حقوق ایران به موضوع اعتبار احکام کیفری خارجی است. موافقت‌نامه‌های مذکور، با مقرراتی تقریباً مشابه، انتقال اتباع ایرانی محکوم به زندان در دادگاه‌های کشورهای فوق به کشورمان (و برعکس) را پیش‌بینی نموده‌اند. شرایط کلی لازم برای انتقال که در بخش اول مطالعه شد، برای انتقال اتباع دو کشور نیز در نظر گرفته شده است و این امر نشان می‌دهد که تهیه کنندگان متن این دو موافقت‌نامه از اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه الهام گرفته‌اند. بدین ترتیب، جرم بودن

۱- از این‌روست که اداره حقوقی قوه قضائیه در تاریخ ۷۳/۸/۱۹ چنین اظهار نظر نموده است: «اجرای احکام جزایی کشورهای دیگر در مورد ایرانیان مجوز قانونی ندارد و اگر کشور صادرکننده حکم تحویل مجرم را مشروط به تعهد و تقبل اجراء آن به‌وسیله ایران و در ایران نماید قانوناً مجوزی برای این تعهد وجود ندارد و چگونه بدون احراز بزهکاری شخص تابع ایران به وسیله محاکم قضایی ایران می‌شود تعهد نمود که حکم جزایی کشور خارجی را در مورد او اجرا کرد؟»

۲- لازم به ذکر است که نظریه فوق در مقام اعلام مغایرت مصوبه مورخه ۸۰/۸/۳۰ مجلس درباره موافقت‌نامه معاضدت قضایی و انتقال محکومان به جمهوری عربی سوریه صادر شده است که منجر به اتخاذ تصمیم در مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأیید مصوبه مجلس گردید. با این حال، مصوبه دیگری از مجلس که مربوط به موافقت‌نامه انتقال محکومان با دولت آذربایجان بوده و در تاریخ ۷۸/۱/۲۵ به تصویب رسیده بود در تاریخ ۷۸/۲/۵ عیناً به تأیید شورای نگهبان رسیده و از این نظر مغایر با موازین شرعی تشخیص داده نشده است.

عمل در کشور اجراکننده، قطعی بودن حکم محکومیت، موافقت محکوم علیه با انتقال خود، داشتن تابعیت دولت اجراکننده و باقی ماندن حداقل مدت معینی از دوران محکومیت شرایط این انتقال هستند. با این وصف، نکات متفاوتی نیز در این موافقت‌نامه‌ها دیده می‌شود. به عنوان مثال، در موافقت‌نامه ایران با سوریه حداقل مدت باقی مانده از مجازات در هنگام تقدیم تقاضا اصولاً نباید کمتر از یک سال و حکم محکومیت نباید مربوط به جرایم موادمخدر یا جرایم نظامی منحل به امنیت عمومی باشد. از نظر شکلی، در هر دو موافقت‌نامه، هریک از طرفین می‌تواند تقاضای انتقال را به طرف دیگر تسلیم نماید و در موافقت‌نامه‌ای که با جمهوری آذربایجان امضاء شده، طرح تقاضا توسط محکوم علیه نیز پیش‌بینی گردیده است. دولت پرداخت‌کننده هزینه‌های انتقال نیز در هر دو موافقت‌نامه معلوم شده است.

بدین ترتیب، ایران پذیرفته است که تحت شرایطی معین، حکم کیفری صادر شده در دادگاه‌های هریک از کشورهای طرف قرارداد خود را اجرا نماید.^۱ اگرچه با توجه به عبارات بکار رفته در موافقت‌نامه‌های مذکور، این امر در واقع ادامه اجرای حکمی است که قبلاً اجرای آن آغاز گردیده است، اما تردیدی نیست که اجرای مدت باقی‌مانده از مجازات مقرر در حکم، به هر حال اجرای حکم کیفری دادگاه‌های خارجی در کشورمان محسوب می‌شود که آن را باید اقدامی بی‌سابقه و استثنایی مهم بر اصل عدم اجرای احکام کیفری خارجی در ایران تلقی نمود.

مبحث دوم: آثار احکام کیفری خارجی

منظور از آثار احکام کیفری خارجی، پیامدهایی است که صدور حکم قطعی کیفری برای محکوم علیه به دنبال دارد و موقعیت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این آثار خود بر دو گونه‌اند: برخی از آنها اثر مستقیم قطعیت حکم هستند و می‌توانند موجب محرومیت محکوم علیه از

۱- تبصره ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز که مرور زمان مجازات را درباره اجرای احکام کیفری خارجی هم جاری دانسته و آن را مشمول مواعد مندرج در ماده ۱۷۳ قرار داده است ناظر به همین فرض است. مطابق این تبصره: «احکام دادگاه‌های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت‌نامه‌های قانونی مشمول مقررات این ماده می‌باشد.»

پاره‌ای از حقوق اجتماعی گردند و معمولاً آنها را به عنوان مجازات‌های تبعی و تکمیلی می‌شناسیم. برخی دیگر اثر اتفاقی حکم بوده، در صورت ارتکاب جرم جدید توسط محکوم علیه او را از استفاده از مزایای تعلیق مجازات محروم نموده و یا در معرض تشدید مجازات به علت تکرار جرم قرار می‌دهند.

در مورد آثار احکام کیفری خارجی این پرسش مطرح است که آیا این احکام همان آثاری را که احکام دادگاه‌های ملی در قلمرو دولت متبوع خود ایجاد می‌کنند به دنبال دارند یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا کسی که مثلاً در خارج از ایران به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به پنج سال زندان محکوم گردیده است در صورت سفر به کشور ما دچار محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که احکام قطعی دادگاه‌های ایرانی برای محکومان به پنج سال زندان ایجاد می‌کنند،^۱ خواهد بود یا خیر؟

اصولاً این آثار نیز مانند اثر اصلی حکم قطعی خارجی، یعنی اجرای مفاد آن، نادیده گرفته می‌شوند و همان‌گونه که عدم اجرای حکم کیفری خارجی به دلیل لطمه به حاکمیت ملی کشور اجراکننده روا دانسته نشده، عدم شناسایی آثار این حکم در کشور دیگر نیز بر پایه اصل حاکمیت دولت‌ها توجیه گردیده است. (Cité par: Huet et Koering-Jouin, p. 324) در ایران نیز، اصل بر عدم شناسایی آثار احکام کیفری بیگانه است و خلاف آن امری استثنایی و نیازمند تصریح قانون‌گذار است.^۲ بنابراین، در کشور ما نیز اصولاً تشکیل سابقه کیفری و محرومیت‌های ناشی از آن در صورتی است که مبتنی بر حکم دادگاه ایرانی باشد و احکام کیفری خارجی در این زمینه

۱- نگاه کنید به ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۷/۲/۲۷.

۲- مثلاً بند الف ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۵۱/۴/۱۸ حکم پیشرفته و جالبی به این شرح دارد: «محکومین به سرقت، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل و تزویر، صدور چک بی محل و ورشکستگی به تقصیر یا تقلب اعم از اینکه حکم از دادگاه‌های داخلی یا خارجی کشور صادر شده باشد یا محکوم مجرم اصلی یا شریک یا معاون جرم بوده باشد از تصدی اداره امور بانک‌ها به هر عنوان ممنوع می‌باشند.»

فاقد اثر تلقی می‌شوند.^۱

انتقال محکومان، بر این اصل نیز استثناء مهمی وارد می‌آورد و سبب شناسایی آثار حکم کیفری مورد اجرا در کشور اجراکننده می‌شود. این نکته به نحوی در موافقت‌نامه همکاری قضائی ایران با سوریه نیز انعکاس یافته است. مطابق صدر ماده ۸۰ این موافقت‌نامه: «احکام صادره در کشور صادرکننده حکم همان آثار قانونی را در مقررات کیفری در کشور اجراکننده حکم دارد...». البته در تنظیم این متن یا ترجمه آن به فارسی دقت لازم صورت نگرفته است زیرا احکام کیفری بیگانه، هیچ‌گاه آثاری را که در کشور خود دارند به کشور دیگر انتقال نمی‌دهند بلکه آثار پذیرفته شده در کشور اجراکننده، در این کشور بر احکام خارجی بار می‌شود زیرا از هیچ کشوری نمی‌توان انتظار داشت که در قلمرو خود برای حکم بیگانه آثاری را بشناسد که برای حکم دادگاه خود قائل نیست.

در هر حال، حکم ماده ۸۰ موافقت‌نامه مذکور مبتنی بر اصلی است که باید در همه موارد انتقال محکومان، از جمله در مورد پیش‌بینی شده با جمهوری آذربایجان، مورد عمل قرار گیرد: دولتی که اثر اصلی حکم محکومیت، یعنی اجرای مفاد آن را می‌پذیرد، باید آثار ثانوی آن حکم را نیز بپذیرد. این مطلب مبتنی بر منطق حقوقی قابل دفاعی است که ما را به قبول آن ترغیب می‌کند: با شناسایی آثار محکومیت کیفری سابق، قاضی ایرانی بهتر می‌تواند پیشینه متهم را در نظر گرفته حکمی متناسب با شخصیت او صادر نماید، در صورت اجتماع شرایط تکرار جرم، او را همچون مرتکبی اتفاقی که برای نخستین بار مرتکب جرم شده ننگرد و او را سخاوتمندانه از

۱- با این حال، به طور استثنایی و در چهارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی، دولت ایران پذیرفته است که احکام کیفری صادر شده توسط دادگاه‌های دول عضو این کنوانسیون‌ها را به عنوان سابقه کیفری برای تحقق تکرار جرم مورد شناسایی قرار داده و تشدید لازم را اعمال نماید. نگاه کنید به: شق سوم بند ۲ ماده ۳۶ از کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۱ نیویورک (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۱، ص ۱۴۱)، شق ح بند ۵ ماده ۳ از کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۰، ص ۶۶۴) و شق سوم بند ۲ ماده ۲۲ از کنوانسیون مواد روانگردان (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۸، ص

مزایای تعلیق مجازات بهره‌مند نسازد. جامعه نیز از این امر منتفع می‌گردد زیرا نمی‌توان پذیرفت که کسی که مثلاً به دلیل ارتکاب کلاهبرداری در کشوری دیگر محکومیت یافته است در کشور ما مجوز تأسیس موسسه مالی دریافت نماید یا مثلاً کسی که در کشور خارجی به دلیل ارتکاب جرایم جنسی علیه اطفال محکوم گردیده است در کشور ما اجازه دائر کردن مهدکودک را بیابد.

فصل دوم: از نظر اعتبار منفی یا سلبی احکام کیفری خارجی

منظور از اعتبار منفی یا سلبی احکام کیفری اثر بازدارنده آنهاست که مانع رسیدگی مجدد و صدور حکم کیفری جدید در مورد عمل مجرمانه موضوع حکم اول می‌گردد. در حقوق داخلی، این مطلب که معمولاً از آن به عنوان اعتبار امر مختوم کیفری در امر کیفری (خزانی، ص ۸۱) یاد می‌شود از اصول پذیرفته شده دادرسی است که مخالفی را در برابر خود نمی‌بیند. با این حال، وقتی که در جرم موضوع رسیدگی، یک عنصر خارجی دخالت داشته باشد که سبب ارتباط آن با چند دولت شده و در نتیجه آن را وارد قلمرو حقوق جزای بین‌الملل نماید (خاکی، ص ۴۵)، تردید در قبول قاعده منع محاکمه مجدد، آغاز می‌شود. معمولاً رویه قانون‌گذاری‌های ملی حاکی از شناسایی این قاعده در مورد جرایم مشمول اصل صلاحیت شخصی و اصل صلاحیت جهانی و عدم رعایت آن در مورد جرایم مشمول اصل صلاحیت سرزمینی و اصل صلاحیت واقعی است.^۱

درباره علت عدم رعایت قاعده مذکور در صورت تحقق صلاحیت سرزمینی یا واقعی دولتی که پس از صدور حکم دادگاه خارجی به قضیه رسیدگی می‌کند نیز همچنان به اصل حاکمیت ملی دولت دوم استناد می‌شود که مانع صرف‌نظر نمودن آن از صلاحیت خویش در برابر تصمیم یک دادگاه خارجی است. (Garraud, p. 371; Jeandidier, n°151) به علاوه، عدم اعتماد به دادگاه‌های خارجی در تأمین رعایت نظم عمومی داخلی نیز مانع شناسایی اعتبار منفی احکام کیفری خارجی تلقی شده است. (Bouzat, p. 100)

در ایران نیز با وجود اینکه سابقه پذیرش اعتبار منفی یا سلبی احکام کیفری خارجی در

قوانین کشورمان به چشم می‌خورد^۱، اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که هم اکنون لازم‌الاجرا است، دیگر چنین موردی مشاهده نمی‌شود و قانون‌گذار وجود حکم قطعی کیفری صادر شده از دادگاه‌های خارجی در همان موضوع را مانعی برای اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران نشناخته است.

با این حال، انتقال محکوم علیه به ایران برای تحمل مجازات مورد حکم در خارج از کشور را نیز باید موجب شناسایی اعتبار منفی یا سلبی حکم کیفری مذکور دانست. به دیگر سخن، وقتی که دولتی به حکم صادر شده از دادگاه‌های دولت دیگر اعتماد نموده، مفاد آن را به اجرا می‌گذارد، در واقع عملاً کفایت حکم مزبور برای اعلام واکنش جامعه نسبت به عمل مجرمانه را مورد تأیید قرار داده و به طور ضمنی قصد خود مبنی بر اکتفا به آن پاسخ را نمایان می‌سازد. در چنین شرایطی، تعقیب و محاکمه فرد انتقال یافته به ایران پس از اتمام مدت مجازات او در کشورمان، برای همان عمل، از نظر حقوقی اقدامی ناهماهنگ با سازوکار و اهداف انتقال محکومان و از نظر اخلاقی، امری برخلاف عدالت و انصاف قضایی است.

قسمت دوم ماده ۸۰ موافقت‌نامه کشورمان با سوریه حاکی از تأیید نکات فوق است چرا که صریحاً اعلام می‌دارد: «برای کشور اجراکننده حکم جایز نیست که علیه محکوم علیه هیچ‌گونه تحقیقات یا محاکمه‌ای که در خصوص جرم وی حکم محکومیت صادر شده باشد اعمال نماید، مگر در مواردی که در کشور اجرای حکم در مقررات کیفری استثناء شده باشد» و چنین استثنایی در قوانین کشور ما مطرح نگردیده است. همچنین، اگرچه در موافقت‌نامه ایران با آذربایجان ماده‌ای مشابه متن فوق صریحاً پیش‌بینی نشده است اما منطق سلیم حقوقی تردید در پذیرش آن را روا نمی‌داند و انتقال محکوم علیه به ایران را مانع تعقیب و محاکمه مجدد وی در کشورمان می‌شناسد.^۲

۱- بند ۵ ماده ۳ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ ضمن اعلام قابل مجازات بودن جرایم ارتكابی ایرانیان در خارج از کشور، این امر را موکول به شرایطی نموده بود از جمله اینکه «مرتکب در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده باشد یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد».

۲- لازم به ذکر است که پاراگراف ۱۳ موافقت‌نامه نمونه سازمان ملل درباره انتقال زندانیان خارجی منع

نتیجه

ضرورت کمک به اصلاح و باز اجتماعی شدن مجرم، باب جدیدی از معاضدت بین‌المللی در امور جزایی را فراروی دولت‌ها گشوده است. بدین ترتیب، انتقال زندانی از کشور صادر کننده حکم به کشور متبوع او جهت سپری نمودن دوران محکومیت خود به عنوان یکی از ابزارهای این همکاری دوجانبه از مدتی پیش در کشورهای دیگر و به تازگی در روابط میان ایران با برخی از کشورها شناخته شده است. در کشورما، در ورای این نوآوری، تحولی شگرف نیز در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی صورت گرفته است که در نتیجه آن ایران اعتبار سلبی و ایجابی احکام دادگاه‌های آن دسته از کشورهایی را که با آنها موافقت‌نامه انتقال محکومان دارد یا خواهد داشت در قلمرو خود می‌پذیرد. بدین ترتیب، در جمع میان لزوم حفظ حاکمیت ملی که مدت‌ها برای توجیه عدم قبول اعتبار احکام کیفری بیگانه بدان استناد می‌شد و ضرورت همکاری دولت‌ها در مبارزه با بزهکاری که روز به روز بیشتر احساس می‌شود، تمایل به شناسایی اعتبار احکام صادر شده در کشورهایی که با آنها تفاهم بیشتری وجود دارد و طرف موافقت‌نامه همکاری واقع می‌شوند به چشم می‌خورد. هرچند که در حال حاضر این تحول محدود به احکام دادگاه‌های کشورهایی است که ایران با آنها رابطه قراردادی ویژه دارد ولی با این حال این تحول را باید تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران دانست.

محاکمه مجدد شخص انتقال یافته در کشور اجراکننده را مورد تأکید قرار داده است. همچنین، به دنبال امضای کنوانسیون شورای اروپا راجعه به انتقال محکومان توسط دولت فرانسه، این کشور در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۸۴ ماده ۸-۷۱۳ را به قانون آئین دادرسی کیفری خود اضافه نمود که مطابق آن: «چنانچه در اجرای یک کنوانسیون یا یک موافقت‌نامه بین‌المللی، محکوم علیه مجازات سالب آزادی مقرر توسط یک دادگاه خارجی را در فرانسه بگذرانند، دیگر به دلیل همان اعمال، هیچ‌گونه تعقیب کیفری نمی‌تواند علیه او صورت بگیرد یا ادامه یابد یا حکم محکومیتی نسبتاً به ازای آن اجرا در آید.»

کتابنامه:

- فارسی

- ۱- خالقی، علی، «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۱، ش ۲، ص ۳۵.
- ۲- خزائی، منوچهر، «اعتبار امر مختوم کیفری در دعوی کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۱-۷۲، ش ۱۲-۱۱، ص ۸۱.

- انگلیسی

- 1- Mc Clean, David, *International co-operation in civil and criminal matters*, Oxford University Press, 2002.
- 2- Van den Wyngaert, Christine, *International Criminal Law, A Collection of International and European Instruments*, Second edition, Kluwer Law International, 2000.

- فرانسه

- 1- Allegra, Georges, (1955), "Les effets internationaux des jugements répressifs", *RID pén.*
- 2- Bouzat, Pierre, (1963), "Les effets internationaux de la sentence pénale", *Revue internationale de droit pénal.*
- 3- Breukelaar, W., (1974), "La reconnaissance des jugements répressifs étrangers", *RID pén.*
- 4- *Coopération internationale en matière pénale, Recueil de textes*, Strasbourg, Editions du Conseil de l'Europe, 1997.
- 5- Garraud, René, (1913), *Traité théorique et pratique du droit pénal français*, t. I, 3e éd., Paris, Sirey.
- 6- Huet, André et Koering-Joulin, Renée, (2001), *Droit pénal international*, Paris, PUF.
- 7- Jeandidier, Wilfrid, (1991), *Droit pénal général*, 2e éd., Paris, montchretien.
- 8- Koering-Joulin, Renée et Huet, André, "Effets en France des décisions répressives étrangères", *J. Cl. (Procédure pénale).*
- 9- Kunter, Nurullah, (1967), "La valeur européenne des jugements répressifs au

point de vue des conséquences occasionnelles", *RID pén.*

- 10- Kunter, Nurullah, (1965), "Les conséquences positives directes ou supplémentaires des jugements répressifs européens", *RID pén.*
- 11- Labrégère, Philippe, "Infractions commises à l'étranger (effets en France des décisions répressives étrangères", J. C1. (Procédure Pénale).
- 12- Levasseur, Georges et Decocq, André "Jugement étranger, (matière pénale)", *Rép.int.Dalloz.*
- 13- Lombois, Claude, (1979), *Droit pénal international*, 2e éd., Paris, Dalloz.
- 14- Mauro, Cristina, *Rép. int. Dalloz*, 2e éd., à jour 2002, V° "Jugement étranger (Matière pénale)".
- 15- Michaux, Pierre, (1966), *Les effets internationaux des jugements répressifs*, Thèse, Paris.
- 16- Pradel, Jean et Corstens, Geert, (2002), *Droit pénal européen*, 2d éd., Paris, Dalloz.
- 17- Puech, Marc, (1988), *Droit pénal général*, Paris, Litec.